



Government Transition; A Comparative Study in the Legal System of Iran and America

Fatemeh Zaboli Zavareh¹, Alireza Dabirnia², Soudeh Shamloo³

¹ PhD student, Department of Public and International Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, Email: 96zaboli@chmail.ir

² Associate Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran
(Corresponding Author), Email: Dabirnia.alireza@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Email: S.Shamloo@iauctb.ac.ir

Abstract

Government transition is a critical process in any democratic system, during which a portion of the country's political power held by the executive branch is transferred from the outgoing government—whose legal term is approaching its end—to the newly elected administration. This process varies across legal systems and can lead to different effects and consequences. In Iran, the government transition process is often accompanied by election-related political tension, managerial demotivation due to the nearing end of appointments, inadequate and delayed service delivery by civil servants due to uncertainty and weak supervision, and other factors. As a result, the principle of continuity of public services is disrupted, leading to public dissatisfaction and uncertainty. Using a descriptive-analytical method and through a comparative analysis of the legal frameworks governing government transition in Iran and the United States, this research seeks to answer the following question: What solutions and procedures has the American legal system adopted for optimal government transition, and can they be applied to improve and mitigate the challenges of this process within Iran's legal system? The findings reveal the existence of a specific legal framework for government transition in the United States and highlight the necessity of enacting a comprehensive, public-law-oriented statute in Iran. Such a law should regulate the entire process—starting from the informal announcement of presidential candidacy to the appointment of various government officials—in a structured and systematic manner.

Keywords: Government Transition, Iranian Legal System, American Legal System, Continuity of Public Services, Public Dissatisfaction.

Received: 2023/05/06 ; **Revised:** 2023/06/16 ; **Accepted:** 2023/09/25 ; **Published online:** 2025/03/29

How To Cite: Zaboli Zavareh, Fatemeh; Dabirnia, Alireza; Shamloo, Soudeh (2025). Government transition; A comparative study in the legal system of Iran and America, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 12(1), 135-156. <https://doi.org/10.22091/CSIW.2023.9413.2422>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





انتقال دولت؛ مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و آمریکا

فاطمه زابولی زواره^۱، علیرضا دبیرنیا^۲، سوده شاملو^۳

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق عمومی و بین الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، رایانامه: 96zaboli@chmail.ir

^۲ دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: Dabimia.alireza@gmail.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، رایانامه: S.Shamloo@iauctb.ac.ir

چکیده

انتقال دولت فرایندی مهم در هر نظام مردم سالار است که در جریان آن بخشی از قدرت سیاسی کشور که در اختیار قوه مجریه است، از دولتی که مدت قانونی اش روبرو اتمام است به دولت جدید منتخب منتقل می شود. این فرایند در نظام های حقوقی مختلف دارای تفاوت هایی است که آثار و پیامدهای متفاوتی را به دنبال دارد. در جریان انتقال دولت در ایران، معمولاً به دلیل انتخاباتی شدن فضای کشور، بی انگیزگی مدیران به دلیل نزدیک شدن به پایان مدیریت، عدم ارائه صحیح و به موقع خدمات توسط کارمندان به دلیل بلا تکلیفی و ضعف نظارت و... اصل استمرار خدمات عمومی با اختلال مواجه شده که نارضایتی و بلا تکلیفی عمومی را به دنبال دارد. تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی و تطبیق نظام حقوقی حاکم بر انتقال دولت در دو کشور ایران و آمریکا، به دنبال پاسخ به این سؤال است که نظام حقوقی آمریکا چه راهکار و فرایندی برای انتقال بهینه دولت پیش بینی نموده و آیا می توان از آن برای بهبود و کاهش مشکلات این فرایند در نظام حقوقی ایران استفاده برد؟ بررسی ها نشان دهنده وجود قانون مختص انتقال دولت در آمریکا و نیاز به ایجاد قانون جامع و همه جانبه نگر با نگاه دقیق حقوق عمومی، جهت نظام مند شدن این فرایند از زمان شروع واقعی آن یعنی اعلام غیررسمی نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری تا انتصاب مدیران مختلف دولتی در ایران دارد.

کلیدواژه ها: انتقال دولت، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی آمریکا، استمرار خدمات عمومی، نارضایتی عمومی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹
استاد به این مقاله: زابولی زواره، فاطمه؛ دبیرنیا، علیرضا؛ شاملو، سوده (۱۴۰۴). انتقال دولت؛ مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و آمریکا، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۲(۱)، ۱۳۵-۱۵۶. <https://doi.org/10.22091/CSIW.2023.9413.2422>

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم



مقدمه

هر دولت حلقه زنجیره یک نظام سیاسی است و ضروری است که هر دولتی چه دولت قبل و چه بعد، در اتصال این حلقه اهتمام داشته باشند؛ چراکه قطع این زنجیره یا خلل در اتصال دولت‌ها به یکدیگر، می‌تواند منجر به هدر رفتن تلاش‌ها و منقطع شدن خدمات و امور عمومی گردد؛ بنابراین دولت‌ها باید دست‌به‌دست هم استمرار رشد جامعه را تضمین کنند و این زنجیره را از گسستن مصون نگه دارند. مسئله‌ای که وجود دارد آن است که این زنجیره در زمان انتقال دولت‌ها و محدوده زمانی پایان یک دولت و تشکیل دولت جدید با سستی و یا حتی گسست مواجه شده و عملاً ارائه بسیاری از خدمات عمومی با اختلال مواجه می‌گردد که این موضوع در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران امری زبان‌بار و غیر قابل پذیرش است. به‌خصوص اگر مشکلات و گره‌های کور اقتصادی و اجتماعی منجر به لحظه‌شماری مردم جهت اقدام فوری دولت جدید شده باشد. این مسئله زمانی مهم‌تر جلوه خواهد کرد که به موضوع انتقال قدرت در حین انتقال دولت‌ها و تغییر سیاست‌ها و رویکرد دولت‌ها و تأثیر آن بر رویه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی نیز توجه گردد.

از طرفی مطالعه الگوهای انتقال دولت در سایر نظام‌های حقوقی، بعضاً نشانگر مشکلات کمتر در حین انتقال دولت برای کشورهاست که بهره‌مندی از نقاط مثبت آن‌ها متناسب با نظام حقوقی حاکم بر جمهوری اسلامی می‌تواند راهگشا باشد. تا به امروز تحقیق و پژوهشی پیرامون موضوع فرایند انتقال دولت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران انجام نشده و همین خلأ مهم منجر به بی‌توجهی جامعه علمی و مدیران و سیاست‌مداران کشور به معایب و نواقص رویه فعلی شده است. تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی و تطبیق نظام حقوقی حاکم بر انتقال دولت در دو کشور ایران و آمریکا، به دنبال پاسخ به این سؤال است که نظام حقوقی آمریکا چه راهکار و فرایندی برای انتقال بهینه دولت پیش‌بینی نموده و آیا می‌توان از آن برای بهبود و کاهش مشکلات این فرایند در نظام حقوقی ایران استفاده برد؟ به نظر می‌رسد می‌توان با بهره‌گیری از برخی راهکارها، مانند «قانون انتقال ریاست جمهوری» که برای انتقال دولت در آمریکا ایجاد شده است، قانونی جامع و هدفمند متناسب با نظام حقوقی سیاسی جمهوری اسلامی ایران تدوین و معضلات انتقال دولت در ایران را به حداقل رساند. در این راستا ابتدا تعریفی از انتقال دولت ارائه و سپس فرایند انتقال دولت در قوانین و مقررات ایران و آمریکا تبیین می‌گردد. در ادامه با آسیب‌شناسی انتقال دولت در ایران، اهمیت پرداختن به آن برجسته شده و با جمع‌بندی موضوع در بخش نتیجه‌گیری، پیشنهادهای لازم جهت ارتقای این فرایند در نظام حقوقی ایران ارائه می‌گردد.

۱. مفهوم انتقال دولت

انتقال دولت، مجموعه فرایندی است که در طی آن بخشی از قدرت سیاسی و قدرت اجرایی کشور، از

دولتی که مدت قانونی‌اش روبه‌تمام است به دولت جدید منتخب منتقل شده و این انتقال در تمام زیرمجموعه‌های دولت جدید، ساری و جاری می‌گردد. هرچند در جریان انتقال دولت، انتقال قدرت نیز اتفاق می‌افتد، اما باید توجه داشت که تنها بخشی از قدرت سیاسی یک کشور در جریان انتقال دولت، به قوه مجریه منتقل می‌شود و بخشی دیگر در اختیار سایر قوا و نهادهای حاکمیتی است که از مجموعه قوه مجریه خارج هستند؛ بنابراین می‌توان انتقال دولت را مجموعه فرایندهایی دانست که در جریان آن بخشی از قدرت سیاسی که در اختیار قوه مجریه است - و بخش اعظم قدرت سیاسی یک کشور نیز محسوب می‌شود - از رئیس‌جمهور فعلی که مهلت قانونی به دست گرفتن قدرت سیاسی و اجرایی کشور برای وی به اتمام رسیده است به رئیس‌جمهور جدید منتقل می‌شود. انتقال دولت مدنظر تحقیق حاضر، در پی یک اقدام مردم‌سالارانه و به دنبال به رسمیت شناختن حق مردم بر تعیین سرنوشت و مشارکت آحاد مردم به‌عنوان صاحبان حق در انتخاب رئیس دولت انجام خواهد شد؛ بنابراین تغییر دولت به روش‌های دیگر نظیر کودتا، انقلاب و... مدنظر نیست.

۲. ترسیم فرایند انتقال دولت در قوانین و مقررات ایران و آمریکا

یکی از نکات مهم در مطالعات حقوق تطبیقی، رجوع به قوانین و مقررات نظام‌های حقوقی مورد مطالعه و تبیین موضوع به استناد قوانین داخلی کشورهاست؛ بنابراین با رجوع به قانون اساسی و قوانین عادی مربوطه به بررسی انتقال دولت در دو کشور ایران و آمریکا خواهیم پرداخت.

۲-۱. انتقال دولت در قوانین جمهوری اسلامی ایران

اینکه فرایند انتقال دولت طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران دقیقاً از چه زمانی آغاز می‌شود مورد تردید است. در نگاه اول می‌توان این فرایند را از تاریخ شروع دوره جدید ریاست‌جمهوری پس از تنفیذ در نظر گرفت؛ چراکه انتخاب وزرا و تشکیل هیئت دولت و انتقال رسمی دولت از دولت قبل به دولت جدید، پس از تنفیذ اتفاق می‌افتد؛ اما با دقت در آثار و تبعات و جوانب انتقال یک دولت به دولت دیگر مشخص می‌گردد که به محض صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور و یا حتی قبل از آن، فضای عمومی کشور از مقامات قوای سه‌گانه و به‌خصوص مقامات سیاسی قوه مجریه گرفته تا کارمندان اجرایی و حتی مردم، پیگیر و مشغول این انتقال هستند؛ بنابراین تبیین انتقال دولت در قوانین جمهوری اسلامی ایران را با تبیین مراحل و ضوابط انتخابات آغاز می‌کنیم.

انتخابات در نظام جمهوری اسلامی یکی از مؤلفه‌های اصلی مشارکت همگانی توأم با احساس مسئولیت مردم در اداره کشور است. انتخابات ریاست‌جمهوری ایران هر ۴ سال یکبار برای تعیین رئیس‌جمهور با آرای مستقیم مردم صورت می‌پذیرد و انتخاب مجدد او تنها برای یک دوره متوالی دیگر امکان‌پذیر است (اصل ۱۱۴). انتخاب رئیس‌جمهور با کسب اکثریت مطلق آرا بوده (اصل ۱۱۷) و باید

حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد. در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می دهد (اصل ۱۱۹). قانون گذار اساسی برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری پیش از پایان دوره فعلی حداکثر زمانی پیش بینی نکرده است. با لحاظ ذیل اصل ۱۱۶ قانون اساسی که (نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهور را به قانون واگذار کرده است) ماده ۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری (اصلاحی ۱۳۹۱/۱۰/۲۶) وزارت کشور را موظف می نماید که در غیر موارد اصل یک صد و سی و یکم قانون اساسی، حداقل پنج ماه قبل از پایان دوره چهار ساله ریاست جمهوری، مقدمات اجرای انتخابات را فراهم آورد و با رعایت اصل یک صد و نوزدهم مراتب برگزاری انتخابات و تاریخ شروع ثبت نام داوطلبان ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم برساند. این موضوع از انتخاب بسیار زود هنگام رئیس جمهور بعدی جلوگیری می کند (تقی زاده، ۱۳۸۷: ۵۴).

پس از برگزاری انتخابات، نتیجه شمارش آرا به وسیله وزیر کشور اعلام شده و تأیید نهایی صحت انتخابات بر عهده شورای نگهبان است (تبصره ۸ ماده ۳۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری). با تأیید انتخابات و صدور اعتبارنامه رئیس جمهور توسط شورای نگهبان، وزیر کشور، رئیس جمهور منتخب را به حضور رهبر معرفی می نماید (ماده ۲ و ۸۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران). حکم منتخب مردم باید به امضای رهبری برسد تا دوره ریاست جمهوری جدید آغاز شود. بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی امضای حکم ریاست جمهوری را از وظایف و اختیارات رهبری و ماده ۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری آغاز دوره فعالیت رئیس جمهور منتخب را از تاریخ تنفیذ حکم به وسیله رهبری می دانند. پس از تنفیذ حکم ریاست جمهوری توسط رهبری، تحلیف رئیس جمهور با حضور رئیس دیوان عالی کشور، اعضای شورای نگهبان و رئیس قوه قضائیه در محل مجلس شورای اسلامی انجام می گردد (اصل ۱۲۱ قانون اساسی). در واقع تحلیف در قوانین ما شروع دوره اعمال حاکمیت نیست؛ بلکه رئیس جمهور منتخب با تنفیذ رهبر اجازه اعمال حاکمیت پیدا می کند و اگر تنفیذ رهبر نباشد تحلیف بی معناست.

رئیس جمهور بعد از مراسم تحلیف، طبق آئین نامه داخلی مجلس دو هفته زمان دارد تا نسبت به معرفی کابینه و برنامه وزرا به مجلس شورای اسلامی اقدام کند (ماده ۲۰۲ آیین نامه داخلی مجلس اصلاحی ۱۳۹۱/۱۰/۲). طبق قانون اساسی تعیین وزرا با رئیس جمهور است؛ از این رو رئیس جمهور باید بعد از احراز شرایط مربوط به وزرا، صلاحیت عمومی آن ها را تأیید کرده و به مجلس معرفی کند. پس از اعلام وصول لیست وزرای پیشنهادی در مجلس، به مدت یک هفته وزرا و برنامه هایشان در دست ارزیابی قرار خواهند گرفت. پس از اینکه اکثریت وزرای پیشنهادی از مجلس رأی اعتماد گرفتند، هیئت وزیران رسماً با حضور وزرا، معاونین رئیس جمهور و سایر اعضا، تشکیل خواهد شد.

اعضای هیئت دولت در دفاتر خود حاضر شده و مدیریت امور اجرایی کشور را از اعضای سابق

تحويل خواهند گرفت. هر چند ظاهراً در این مرحله عمل انتقال دولت پایان پذیرفته است، اما عملاً چنین نیست. پس از تغییر در سطح وزرا و معاونان رئیس جمهور، معمولاً تغییرات گسترده در سطح مدیران (حتی مدیران جزء) و یا حتی جابه جایی کارمندان اتفاق می افتد و سیاست ها و خط مشی های دولت جدید بر فضای اجرایی کشور حاکم می شود و نتایج و آثار ناشی از انتقال دولت در این مرحله برای مردم به وضوح قابل لمس خواهد بود. اما آنچه در قوانین و مقررات ایران راجع به انتقال دولت آمده است، صرفاً مربوط به مراحل انتخابات تا رأی اعتماد به وزارت و قانون دیگری که دوره انتقال را هوشمندانه هدایت کرده و از معضلات این دوره، چه قبل از انتخابات و چه بعد از آن بکاهد دیده نمی شود. راجع به آسیب ها و مشکلات ناشی از این خلأ در صفحات پیش رو بحث خواهد شد.

۲-۲. انتقال دولت در قوانین ایالات متحده آمریکا

با وجود تفاوت های اساسی در نوع نظام سیاسی آمریکا با ایران، انتقال دولت در این کشور نیز از زمان شروع نخستین مراحل انتخابات ریاست جمهوری آغاز می شود. نحوه انتخاب رئیس جمهور و معاونش در اصل دوم و متمم دوازدهم قانون اساسی ایالات متحده با جزئیات مربوطه ذکر شده است. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا یک انتخابات غیرمستقیم و دارای مراحل و قوانین مختلفی است که هر چهار سال یکبار با رقابت های درون حزبی کاندیداها آغاز می شود و با گذراندن مراحل انتخابات مقدماتی و رقابت در انجمن های حزبی، حضور مردم در صندوق های رأی برای انتخاب اعضای هیئت های انتخاب کننده و انتخاب رئیس جمهور با رأی مستقیم اعضای هیئت های انتخاب کننده یا همان کالج انتخاباتی و اعلام نتایج از سوی مراکز رسمی پایان می یابد.^۱ الگوی نظام انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده پیوند وثیقی با اصول دولت های فدرال دارد که مهم ترین آن ها برابری دولت های عضو در تأثیرگذاری و ایفای نقش در تعیین سرنوشت و انتخاب عالی ترین زمامداران حکومت است (منصوریان و نیکونهاد، ۱۴۰۱: ۲۰۴). از این رو، قوانین ایالتی بخش زیادی از جنبه های انتخابات را تنظیم می کنند.

از سوی دیگر نمی توان نقش احزاب را در انتقال دولت در آمریکا نادیده گرفت. هر چند مسئله احزاب در قانون اساسی آمریکا پیش بینی نشده، لکن بخش وسیعی از معادلات اجتماعی سیاسی ایالات متحده، متأثر از احزاب است. امروزه وجود احزاب از شاخص های مهم دموکراسی و از دلایل قابل توجه مردم سالاری حکومت ها به شمار می آید (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۸۳). هدف اصلی احزاب سیاسی به دست آوردن قدرت سیاسی است و اهداف دیگر، مانند هدف های اقتصادی و مرام های مسلکی در مرتبه کم اهمیت تری است (ابوالحمد، ۱۳۸۰: ۲۹۸). در انتقال قدرت ریاست جمهوری، این تأثیر از اولین مرحله شروع انتخابات یعنی مرحله نامزدی و پیشنهاد تا تحويل دولت به رئیس جمهور جدید دیده می شود.

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: (طباطبایی، ۱۳۸۱) همچنین: (Coleman & others, 2000).

در ایالات متحده سازمان سیاسی ملی وجود ندارد و هر یک از دو حزب حاکم از مجموعه‌ای از سازمان‌های سیاسی ایالتی و محلی تشکیل شده‌اند (هاشمی، ۱۳۸۶: ۷۸). با توجه به فدرال بودن آمریکا، احزاب سیاسی در ایالات مختلف، متشکل و جدا از یکدیگر بوده و ساختار حزبی مستقلی دارند. به عبارتی به تعداد ایالات، احزاب دموکرات و جمهوری خواه وجود دارد که با دارا بودن ساختار کامل حزبی متناسب با شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن ایالت عمل می‌نمایند. این موضوع در مرحله مقدماتی یعنی تعیین نامزد در حزب اهمیت فراوانی داشته و احزاب ایالتی عمدتاً به نامزدی از همان منطقه یا ایالت رأی می‌دهند. از طرفی هر یک از دو حزب حاکم آمریکا در درون خود، جناح‌های مختلف با ایدئولوژی و عملکرد متفاوتی دارند که این امر از انضباط حزبی آن‌ها کاسته است. بارها دیده شده به دلیل حضور دو یا چند رقیب سرسخت و قدرتمند که از طرف جناح‌های متفاوت در داخل یک حزب حمایت می‌شوند، انتخابات مقدماتی با جنگ ویرانگر داخلی همراه شده است. اما در نهایت، نامزد معرفی شده از طرف حزب، تشکیلات حزب با تمام امکانات مالی، تبلیغاتی و رسانه‌ای را پشت سر خواهد داشت؛ بنابراین حتی در روش مبارزه انتخاباتی تابع حزب متبوع است.

با توجه به خصوصی بودن رسانه‌های گروهی و هزینه‌های سرسام‌آور تبلیغات و مراحل انتخابات در ایالات متحده، گروه‌های ذی‌نفوذ و محافل مالی اقتصادی حامی حزب، مهم‌ترین پشتوانه نامزدها هستند و تلاش دارند تا از این طریق بر روند تصمیم‌گیری قوه مجریه و کنگره تأثیر بگذارند. در مقابل، نامزدها نیز پس از پیروزی در انتخابات با استفاده از جایگاه سیاسی خود از حامیان‌شان حمایت می‌کنند؛ بنابراین علقه‌های حزبی و پول، مهم‌ترین مسئله تأثیرگذار بر روند انتقال قدرت در آمریکاست (Beck & Hershey, 2001: 230). اما نکته قابل توجه آن است که در واقع بازیگران اصلی در حوزه سیاست آمریکا، نخبگان هستند و حزب تنها پسته‌ای برای فعالیت این گروه است. انتخابات در این کشور عمدتاً حول شخصیت نامزدهای حزبی دور می‌زند تا حول پیوندهای حزبی (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). با توجه به این واقعیات، بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی آمریکا معتقدند که احزاب روزبه‌روز در حال ضعیف شدن هستند، به‌طوری‌که در آینده‌ای نه‌چندان دور دیگر قادر به انجام رسالت‌ها، وظایف و کارکردهای سیاسی لازم خود برای حفظ، تداوم و اداره صحیح امور سیاسی و اجتماعی نخواهند بود و از این بابت نگران‌اند (Roskin, etal, 1998: 214).

در مجموع، هر چند زمینه‌چینی برای انتقال دولت تقریباً از یک سال قبل آغاز شده، اما انتقال رسمی قدرت از زمان مشخص شدن نتیجه انتخابات صورت می‌گیرد. روند انتقال دولت در «قانون انتقال ریاست جمهوری»^۱ طی سندی در سال ۱۹۶۳ تنظیم شده است. در بخش اول این سند اشاره شده که

1. Presidential Transtion Act OF 1963, Available at: [https:// www.govinfo.gov/app/collection/comps](https://www.govinfo.gov/app/collection/comps)

هدف این قانون، انتقال منظم قدرت اجرایی در خصوص اتمام دوره ریاست جمهوری و تحلیف رئیس جمهور جدید است. طبق آخرین نسخه ترمیم شده این قانون، پس از قطعی شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری و احراز پیروزی قطعی افراد مشخص شده برای سمت‌های ریاست جمهوری و معاونت رئیس جمهور، مدیر اداره کل خدمات عمومی در نامه‌ای به تیم انتقال قدرت رئیس جمهور جدید، آمادگی این اداره کل را برای آغاز رسمی روند انتقال قدرت به دولت جدید اعلام می‌کند. این نامه به تیم انتقالی رئیس جمهور جدید اجازه خواهد داد که علاوه بر دسترسی به بودجه‌های دولتی موجود برای تشکیل دولت جدید، با مراجعه و گفتگو با همتایان خود در نهادهای دولتی، خود را آماده تحویل گرفتن دولت کنند.

تیم انتقالی با در اختیار گرفتن بودجه اختصاصی این انتقال، روند انتقال دولت را آغاز می‌کند. در ضمن بخشی از فضای فیزیکی وزارتخانه‌ها در اختیار این تیم قرار می‌گیرد. تیم رئیس جمهور جدید همچنین می‌تواند از منابع دولت فدرال برای کنترل پیشینه خدمه‌ای که قصد استخدام آن‌ها در کاخ سفید و وزارتخانه‌های مختلف را دارد استفاده کند. در حین انتقال، رئیس جمهور منتخب معمولاً وظیفه دارد افراد کابینه خود و کارمندان کاخ سفید را انتخاب کند. یک رئیس جمهور حدود چهارهزار نفر را به سمت‌های مختلف در دولت منصوب می‌کند که بیش از یک چهارم آن‌ها به تأیید سنا نیاز دارند. علاوه بر پرس کردن سمت‌ها، مسئولان این دوره‌گذار به بررسی راه‌ها و اقدامات لازم جهت جامه عمل پوشاندن به وعده‌های انتخاباتی رئیس جمهور جدید و اقداماتی که می‌تواند به سرعت انجام شود می‌پردازند. افزون بر این، آن‌ها برای آگاهی یافتن از نیازهای سیاست‌گذاری و نیروی کار، اداره‌های فدرال را تحت نظر قرار می‌دهند. همچنین اغلب افرادی که قرار است سمت‌های جدید را بر عهده بگیرند، جهت آماده شدن برای تحویل گرفتن مسئولیت، کسانی را که در دولت کنونی این سمت‌ها را بر عهده دارند از نزدیک دنبال می‌کنند. هزینه‌های انتقال قدرت هم از بودجه فدرال و هم از بودجه خصوصی تأمین می‌شود. این مبالغ باید به صورت عمومی اعلام شود. انتقال رسمی قدرت معمولاً از روز انتخابات در اوایل ماه نوامبر تا روز تحلیف ادامه دارد که طبق متمم بیستم قانون اساسی آمریکا برای ۲۰ ژانویه برنامه‌ریزی شده است. اگر نتایج انتخابات بلافاصله مشخص نشود، برای جلوگیری از تنش‌های سیاسی و برهم خوردن نظم و امنیت کشور، این روند ۱۱ هفته‌ای می‌تواند کوتاه‌تر شود و انتقال دولت در زمان کوتاه‌تری انجام گیرد. پس از ادای سوگند، فرد منتخب، رسماً رئیس جمهور آمریکا خواهد شد.

یکی از نکات قابل توجه در این قانون، الزام نامزدهای ریاست جمهوری برای زمینه‌چینی برای این انتقال است. نامزدهای واجد شرایط ریاست جمهوری پس از قطعی شدن واجد شرایط بودنشان، باید تیم انتقالی خود را معرفی کنند. این تیم در ابتدا به امضای یک طرح اخلاقی می‌پردازد که طبق آن، اجازه انتشار هرگونه اطلاعات که در جریان انتقال به آن دسترسی خواهد داشت را ندارد. این طرح امضا شده در اختیار عموم قرار می‌گیرد. مدیر اداره خدمات عمومی باید حداکثر ۱۲ ماه مانده تا انتخابات، حق داوطلب

برای دریافت امکانات و تسهیلات به همراه گزارشی از فعالیت‌هایی که باید در دوره انتقال انجام شود را به اطلاع نامزدهای واجد شرایط برساند تا برای این دوره گذار آماده شوند. این امکانات و خدمات (که شامل فضای اداری و خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات ایمن است) به منظور آمادگی نامزدهای واجد شرایط برای تصدی وظایف رسمی ریاست جمهوری و معاون ریاست جمهوری در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. همچنین طبق این قانون، هزینه‌هایی در اختیار نامزدهایی که شانس انتخاب شدن بالاتری دارند قرار می‌گیرد تا افراد موردنظر خود برای پست‌های کلیدی را آماده کنند. البته نامزد باید به‌طور شفاف گزارش این هزینه‌ها را در اختیار اداره خدمات عمومی و در صورت نیاز عموم قرار دهد.

رئیس جمهور فعلی، از طریق هماهنگ‌کننده انتقال فدرال، باید گزارش‌هایی را به کمیته نظارت و اصلاحات دولتی مجلس نمایندگان و کمیته امنیت داخلی و امور دولتی سنا ارائه دهد که شرح فعالیت‌های انجام شده و آمادگی رئیس جمهور و سازمان‌ها برای انتقال قدرت به رئیس جمهور جدید است.

در مجموع، با توجه به ریاستی بودن سیستم حکومتی ایالات متحده آمریکا و حاکم بودن قواعد و قوانین فدرال بر آن، انتقال دولت در این کشور با انتقال دولت در ایران متفاوت است. نظام ریاستی باعث برتری قدرت مجریه نسبت به سایر قوا گشته و در نتیجه به‌کار بردن اصطلاح انتقال قدرت در ایالات متحده مناسب‌تر به نظر می‌رسد. از طرفی با توجه به فدرالی بودن این کشور، بسیاری از پست‌هایی که در ایران پس از انتخاب رئیس جمهور و توسط وزرا و زیرمجموعه دولت تغییر می‌یابد، در اختیار دولت فدرال و فرمانداران ایالات که مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند است و مشکلات تغییرات متعدد پس از انتقال دولت به دولت جدید که در ایران وجود دارد، در آمریکا دیده نمی‌شود.

همچنین با توجه به حزبی بودن نظام انتخاباتی و عضویت بخش اعظم مردم آمریکا در یکی از دو حزب اصلی، احزاب نقش مهمی در اداره سیاسی اجتماعی کشور و از جمله در کل فرایند انتقال دولت از شروع اولین مراحل انتخابات تا انتقال کامل قدرت داشته و این نظارت، احتمال سوءاستفاده‌ها حین انتقال را کاهش می‌دهد. این در حالی است که به دلیل عدم شکل‌گیری تحزب در ایران، این رابطه نظام‌مند و نظارت همه‌جانبه نیز دیده نمی‌شود. از سوی دیگر از آنجاکه به‌طور معمول رؤسای جمهوری منتخب در ایران، حاصل یک رقابت حزبی نیستند تا با مراجعه به مرامنامه و اساسنامه حزب متبوع فرد منتخب بتوان رویکرد او و تیم همراهش به مسائل مختلف را به‌روشنی و با درصد بالایی از قطعیت دریافت، هم انتخاب مردم با شک و تردید همراه است و هم رأی اعتماد نمایندگان مجلس به همکاران رئیس جمهور با گمانه‌زنی‌های متفاوت و متناقض و طولانی‌مدت همراه بوده و انتقال دولت را با مشکل مواجه می‌سازد. با توجه به آنچه گفته شد، نقطه عطف انتقال دولت در آمریکا که تمایزی آشکار با انتقال دولت در ایران و بسیاری از کشورهای دنیا دارد، قانون مشخص و مدون خاص برای انتقال دولت است. قانون انتقال ریاست جمهوری آمریکا، بسیاری از خلأهای دوران انتقال دولت را پوشش داده و از معضلات ناشی از آن

کاسته است. هرچند در این قانون نیز راه‌حلی برای جلوگیری از مشکلات ناشی از انتقال دولت قبل از انتخابات و در دوران طولانی و پریچ‌وخم انتخابات نشده است؛ اما با الزام نامزدهای ریاست‌جمهوری برای اعلام تیم انتقالی و قرار دادن امکانات و منابع مالی در اختیار آن‌ها برای آماده‌سازی مدیران ارشد دولت، معضلات ناشی از انتقال دولت پس از انتخابات را کاسته است.

۳. آسیب‌شناسی انتقال دولت در نظام جمهوری اسلامی ایران

پس از بررسی انتقال دولت در قوانین دو کشور ایران و آمریکا، آسیب‌شناسی این فرایند در ایران به جهت پی بردن به اهمیت آن و تلاش برای استفاده بهینه از نقاط مثبت این فرایند در آمریکا برای کاهش آسیب‌های انتقال دولت ایران ضروری به نظر می‌رسد. هرچند آسیب‌شناسی فرایند انتقال دولت، مباحث گسترده‌ای را در برمی‌گیرد، اما بررسی آثار و پیامدهای مترتب بر آن نقش مهمی در پی بردن به اهمیت موضوع و ایجاد حساسیت در مقامات سیاسی و جامعه علمی کشور برای حرکت در جهت اصلاح آن دارد. بدین منظور، به بررسی برخی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای حاصل از انتقال دولت در ایران خواهیم پرداخت.

۳-۱. مواجهه دولت با خلأ مدیریتی و بلا تکلیفی دستگاه‌های اجرایی

معمولاً پس از تغییر دولت‌ها، آنچه در بین سیاست‌مداران و حتی جامعه مورد انتظار است، تغییر مدیران، متناسب و هماهنگ با سیاست‌های دولت جدید است. از طرفی با توجه به بر لزوم شایسته‌سالاری در هرگونه تغییر و نصب در دولت، در صورتی که مدیران و مسئولان اجرایی کشور بنا به ابقا یا جابه‌جایی مدیران زیرمجموعه خود را دارند و آن را ضروری می‌دانند باید در این کار تسریع کنند؛ چراکه بدنه اجرایی کشور باید در اجرای برنامه‌های تحولی موردنظر دولت منسجم و دارای انگیزه و دغدغه باشد؛ اما مشاهده شده که معمولاً رؤسای جمهور تا قبل از انتخاب شدن، لیست کاملی از وزرا و مدیران زیرمجموعه خود تهیه نمی‌کنند و پس از انتخاب شدن به دنبال تکمیل تیم خود هستند. این مسئله در مورد مدیران خارج از حلقه هیئت دولت، مشکل‌سازتر است و بعضاً روزها و ماه‌های زیادی طول می‌کشد تا تیم مدیریتی دولت در کل کشور به افراد معتقد و متعهد به سیاست‌های دولت جدید یا نزدیک به آن تغییر یابد. هر چند صحت و سقم تغییرات گسترده پس از تغییر دولت‌ها محل تردید است؛ اما واقعیت آن است که تغییرات سیاسی با سرعت بیشتری همراه است و مدیریت این نهادها همسو با نگاه دولتی می‌شود، اما در بخش اجرای سیاست‌ها تا مدت‌ها صندلی‌های خالی دیده می‌شود. همین مسئله، دستگاه‌های اجرایی را با مشکل مدیریتی مواجه خواهد کرد؛ چراکه هر چه سیستم فکری دولت بخواهد سیاست‌گذاری کند، در اجرا با خلل مواجه شده و سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند با کندی اجرا یا اجرای معیوب مواجه شوند.

همچنین وقتی در یک سیستم، مدیران، خودشان را مستأجر در حال تخلیه اداره می‌بینند، دیگر کارایی لازم را ندارند. بسیاری از مدیران دولت به‌جامانده از گذشته، یا به مدل اداره دولت جدید و تئوری‌های آن

باور ندارند و یا اینکه خودشان را بلا تکلیف می‌دانند، حتی اگر افراد شایسته‌ای باشند. مدیران منصوب دولت قبل می‌دانند که رفتی هستند و مدیران جدید نیز منصوب نشده‌اند. در این مواقع اگر مدیر، از اعتقادات الهی قوی برخوردار نباشد و میز مدیریت را تنها وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف شخصی یا حزبی خود ببیند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، کار را رها می‌کند و نه به دنبال حل مشکلات خواهد رفت و نه نظارت صحیحی بر زیرمجموعه‌اش خواهد داشت. کارمندان نیز چون او را رفتنی می‌دانند از وی تبعیت نکرده و بی‌سروسامانی زیادی بر ادارات حکم فرما خواهد شد و نوعی وقفه در خدمات عمومی ایجاد می‌کند؛ بنابراین بی‌انگیزه شدن مدیران موجود از معضلات بزرگی است که دولت‌ها با آن درگیر می‌شوند و مدیران حتی از مدت‌ها قبل از انتخابات از نقش‌آفرینی و ریسک‌پذیری مدیریتی کاملاً بیگانه شده و با رها کردن وظایف اداری و مدیریتی خود، احساس واقعی بلا تکلیفی اداری را در افکار عمومی و مردم و نخبگان ایجاد کرده و یا اثبات می‌نمایند. بلا تکلیف گذاشتن بسیاری از موضوعات در این ایام به یک رویه عادی تبدیل شده است. البته موضوعات روزمره و جاری اختلال چندانی پیدا نمی‌کند؛ اما مسائل و برنامه‌های مهم به‌هیچ‌وجه قابلیت اجرایی نخواهند داشت، هر چند که اجرای آن‌ها برای تأمین منافع جامعه ضروری باشد. زیرا در ایام انتقال دولت آن اراده و ثبات و اقتدار لازم جهت چنین اقداماتی فراهم نیست.

این شرایط به حدی حاد گشته که حتی عموم مردم و فعالان اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نیز ترجیح می‌دهند بسیاری از مطالبات و برنامه‌های خود که نیازمند اراده و پشتیبانی جدی مسئولین است را به زمانی غیر از زمان انتقال دولت موکول نمایند. از این رو، هر پست و منصب مدیریتی ارشد که در دولت خالی بماند و یا افراد نالایق در رأس آن‌ها حضور داشته باشند، می‌تواند یک مجموعه و سلسله‌ای از ارکان آن مجموعه را از کار بیندازد. البته بعضی از مدیران ستادی و اجرایی دولتی آن‌قدر توانمند و فراجناحی هستند که جابه‌جایی آن‌ها در دولت‌های مختلف توجیهی ندارد. با این حال، تعیین تکلیف سریع‌تر این افراد نیز از بلا تکلیفی آن مجموعه خواهد کاست.

دعواهای احتمالی بر سر پست‌های مدیریتی و سهم‌خواهی‌ها که از سوی گروه‌های سیاسی و افراد حامی رئیس‌جمهور منتخب و یا نمایندگان مجلس به هنگام رأی اعتماد به دولت و سایر افراد و گروه‌های ذی‌نفوذ صورت می‌گیرد نیز فضای بلا تکلیفی را گسترش خواهد داد و روند تعیین مدیران جدید را با وقفه مواجه خواهد کرد. در کنار این موضوع، تشریفات اضافی برای شروع به کار وزرا و مدیران، خوشامدگویی‌ها و تبریک و تمجیدهایی که روزها ادامه دارد و مدیر مربوطه را به جای درگیر شدن سریع‌تر با مسئولیت محوله، به خود مشغول می‌کند، معضل دیگری است که بر بلا تکلیفی دستگاه‌های اجرایی خواهد افزود. البته این بلا تکلیفی صرفاً به دستگاه‌های اجرایی و دولتی اختصاص ندارد و بخش خصوصی نیز دچار مشکل خواهد شد. به عنوان مثال از آنجا که به‌طور معمول رؤسای جمهوری منتخب

در ایران، حاصل یک رقابت حزبی نیستند تا با مراجعه به مرامنامه و اساسنامه حزب متبوع فرد منتخب، بتوان رویکرد او و تیم همراهش به اقتصاد را به روشنی و با درصد بالایی از قطعیت دریافت. بخش خصوصی و فعالان اقتصادی که برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی خود نیاز به مشخص بودن سیاست‌های اقتصادی دولت جدید دارند با سرگشتگی و بلاتکلیفی مواجه خواهند شد. هر چه این دوره تعلیق و بلاتکلیفی طولانی‌تر شود، قطعاً آثار سوء بیشتری بر بازار داشته و اولین متضررین آن مردم خواهند بود.

نباید فراموش کرد که بلاتکلیفی دستگاه‌ها و ادارات، صرفاً مربوط به تغییرات اتفاق افتاده در دولت جدید نیست و تغییر مدیران در ماه‌ها و روزهای پایانی دولت قبل نیز جنبه دیگری از مشکلات مدیریتی و اجرایی دوران انتقال دولت است. این تغییرات در ایامی که سیستم نظارتی به خوبی عمل نمی‌کند، با توجیه افزایش کارآمدی و ارتقای عملکرد دستگاه‌های ذی‌ربط صورت می‌گیرد؛ اما عملاً جنبه سیاسی و انتخاباتی داشته و نتیجه‌ای جز مدیریت ناکارآمد به دلیل عدم تسلط بر امور در مدت زمان کوتاه و عدم تبعیت کارمندان به دلیل علم به موقتی بودن این‌گونه مدیران و تعطیلی خدمات و وظایف دستگاه مدنظر نخواهد داشت. بنابراین، خلأ مدیریتی از ماه‌ها قبل از اتمام دولت قبلی تا ماه‌ها بعد از تشکیل دولت بعدی از معضلات مهم دوران انتقال دولت است که نتیجه‌ای جز بلاتکلیفی دستگاه‌های اجرایی و تعطیلی خدمات دولتی نخواهد داشت.

۱-۳-۱. ایجاد وقفه در خدمات عمومی

خدمت عمومی در واقع به آن دسته از فعالیت‌های دارای منفعت عمومی گویند که توسط اشخاص حقوقی حقوق عمومی تأمین و ارائه می‌شود (مشهدی، ۱۳۹۷: ۲۱۳). خدمت عمومی دو عنصر دارد. یکی، منفعت یا نیاز عمومی و دیگری، اداره آن توسط دولت. به عقیده لئون دوگی، خدمت عمومی هر آن امری است که باید از طرف دولت تنظیم و تأمین و کنترل شود (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶: ۳۶۵).

«خدمات عمومی» به دلیل اهمیت فراوانی که در زندگی اجتماعی دارند، از اصولی تبعیت می‌کنند که چارچوب اجرایی و طرق لازم‌الاجرا شدن آن را تبیین می‌کنند و پایه‌های مسلّم حقوق اداری به‌شمار می‌آیند (رضایی‌زاده و کاظمی، ۱۳۹۱: ۲۴). یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر خدمت عمومی اصل تداوم یا استمرار خدمات عمومی است که به‌موجب آن امور عمومی تعطیل‌بردار نیست و سازمان‌های ارائه دهنده خدمات عمومی باید به‌صورت مستمر و بدون وقفه، خدمات را به شهروندان ارائه دهند. در حقوق اداری، خدمات عمومی و اداری به جهت لزوم و ضرورت پاسخگویی مداوم به نیازهای عمومی تعطیل‌بردار نیست. این اصل تکلیفی را بر مقامات عمومی و اداری بار می‌نماید که به‌موجب آن باید تداوم خدمات عمومی به نحو مناسبی تضمین گردد. اصل تداوم خدمات عمومی، مرز میان منافع شهروندان و حقوق و تکالیف مقامات اداری است (مشهدی، ۱۳۹۷: ۸۹).

قانون‌گذار برای اصل تداوم خدمات اداری، ضمانت اجرا در نظر گرفته به صورتی که نقض این اصل

در حقوق اداری ضمان آور است (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۱: ۲۰۱) و ارائه نکردن خدمات عمومی توسط اداره مربوط تخلف محسوب می شود و می توان علیه مقامات آن دستگاه به علت ترک فعل و عدم انجام وظیفه تکلیف قانونی اقامه دعوی کرد (عباسی، ۱۳۸۹: ۱۷۲). طبق ماده ۵۵ قانون استخدام کشوری، مستخدم از انجام هر نوع عملی که موجب ایجاد وقفه در امور اداری کشور شود، ممنوع است و کارمند باید به طور مستمر به کار خود اشتغال داشته باشد و به هیچ وجه نباید در انجام امور و خدمات عمومی تأخیری حاصل شود. از طرفی رئیس جمهور و هیئت وزیران که از ارکان مهم حکومت و مسئول سیاست کلی کشورند، در عین حال، عالی ترین مقامات اداری و مسئول نظم عمومی در کشور و اداره خدمات عمومی نیز هستند و دستگاه اداری در چارچوب سیاست ها و وظایفی که توسط مقامات عالی قوه مجریه تعیین می شود عمل می نماید (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶: ۶)؛ بنابراین برخی از تغییرات در اعمال و سیاست های اداری به دنبال تغییرات سیاسی در کشور طبیعی است. به خصوص اینکه برخی اعمال اداری جنبه سیاسی نیز دارند. اما وقفه در اعمال اداری در جهت برقراری نظم و ارائه خدمات عمومی به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست و مقام اداری تحت هر شرایطی باید به ارائه خدمات بپردازد؛ هرچند ممکن است به خاطر شرایط خاص کشور در دوره های بحران با مشکل مواجه شود. چراکه هدف از تشکیل دستگاه های اجرایی، ارائه خدمات و حرکت در جهت تأمین منافع عمومی بوده است و در صورت عدم حصول نتیجه، فلسفه وجودی آن زیر سؤال خواهد رفت و از اعتبار ساقط خواهد شد. اما آنچه به وضوح در دوران انتقال دولت مشاهده می شود، ترک فعل های بی ضابطه و بدون نظارت است که به دلیل اشتغال به امر انتخابات یا انتظار برای جایگزینی مدیر جدید و ضعف نظارتی، کارمندان از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کنند و خدماتی که باید به صورت بی وقفه و مستمر به مردم ارائه شود، تعطیل یا نیمه تعطیل شده و یا کیفیت آن کاهش خواهد یافت.

در اصول متعدد قانون اساسی، مقامات حکومتی، موظف شده اند که با تشریفات خاصی، مسئولیت های خود را انجام دهند و به صورت مداوم و مستمر به انجام وظیفه بپردازند. از این رو، استعفا و ترک خدمت این مقامات بدون طی تشریفات مقرر در قانون اساسی امکان پذیر نیست. اصل ۱۱۹ درباره انتخابات ریاست جمهوری مقرر می دارد که «... در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می دهد». این اصل نیز در راستای همان استمرار و تعطیل بردار نبودن وظایف و مسئولیت هاست که ثبات یا استمرار خدمات عمومی نیز از جلوه های آن است؛ بنابراین تا زمانی که استعفای رئیس جمهور توسط رهبر پذیرفته نشده است، وی موظف است وظایف خود را انجام دهد (اصل ۱۳۰) و وزیران تا زمانی که عزل نشده یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، اعتماد مجلس از آن ها سلب نشده یا استعفاشان توسط رئیس جمهور پذیرفته نشده است در سمت خود باقی می مانند (اصل ۱۳۵) (رضایی زاده و کاظمی، ۱۳۹۱: ۳۷ و ۳۸). اما نکته

قابل توجه این است که این اصول و یا قوانین صرفاً به حضور فیزیکی مقام حکومتی یا کارمند دولت توجه داشته و عدم حضور او را مساوی تعطیلی خدمات عمومی دانسته‌اند؛ ولی به نحوه و کیفیت خدماتی که ارائه می‌شود، توجه کافی نداشته است. مقام حکومتی که تمام هم‌وغم خود را برای انتخابات قرار داده، حتی در صورت حضور در محل کار خود (که آن هم در ایام انتخابات کم‌رنگ می‌شود)، تمرکز و توجه لازم برای انجام مسئولیت، ارائه خدمات مطلوب و رفع نیازهای مردم که به وی محول شده است را ندارد و به تبع او کارمندان زیر مجموعه وی نیز دل به کار نداده و از زیر کار شانه خالی می‌کنند. یا مقامی که تازه بر مسند مسئولیت نشسته و هنوز تسلط کافی بر امور ندارد و باید زمانی را صرف آشنایی و اشراف بر زیرمجموعه و آنچه به وی محول شده بنماید، از ارائه خدمات مطلوب غافل خواهد شد و باز هم کارمندان تحت مسئولیت او در صورت نداشتن وجدان کاری و اعتقاداتی که عالم را محضر خداوند تبارک و تعالی و تحت نظارت او بدانند، خدمات قابل قبولی به مردم ارائه نخواهند داد. بنابراین، به نظر می‌رسد معنای واقعی وقفه در خدمات عمومی، هم از منظر کمی باید مورد توجه قرار گیرد و هم از منظر کیفیت ارائه خدمات؛ زیرا الگوی فعلی انتقال دولت هر دو مورد را تحت تأثیر خود قرار داده و موجب ایجاد وقفه در ارائه خدمات عمومی مناسب شده است.

۲-۱-۳. ایجاد نارضایتی عمومی

نارضایتی عمومی به وضعیتی اطلاق می‌شود که عدم رضایت مردم از حکومت به یک پدیده همه‌گیر تبدیل شده، گستره وسیعی از مردم را در برمی‌گیرد (یوسفی، ۱۳۹۶). شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد نارضایتی عمومی نقش بسیار مهمی در مدیریت و جلوگیری از ایجاد بسترهای آن دارد. مقنن اساسی این موضوع را مورد توجه قرار داده است که قوا و نهادها در جایگاه نمایندگی ملت قرار دارند و هیچ شأن مستقل از ملت ندارند (دبیرنیا، ۱۳۹۴: ۱۱۸). اما زمانی که مردم در مواجهه با ادارات و نهادهایی که وظیفه نمایندگی و خدمت‌رسانی به آن‌ها را دارند، با ترک فعل و سوءاستفاده‌های متعدد مواجه می‌شوند و به خصوص، این مواجهه با تأیید درست یا نادرست رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های غیررسمی داخلی یا خارجی همراه می‌شود، از نظر مردم رنگ واقعیت به خود گرفته و زمینه‌ساز نارضایتی گسترده خواهد شد. حس نابرابری ناشی از افزایش مفاسد اقتصادی به خصوص در بخش‌های دولتی که عموماً مردم با آن سروکار دارند یا حس وجود یک فساد عظیم در تمامی بخش‌های دولتی، ناامیدی و نارضایتی در میان آحاد مردم ایجاد کرده است. فقدان یک راهبرد مشخص برای گفت‌وگو با مردم از جانب دولت نیز به این نارضایتی دامن خواهد زد.

در این میان شاید مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین عاملی که حس نارضایتی عمومی را تشدید کرده است ناکارآمدی، به خصوص ناکارآمدی در مدیریت است. بدین معنا که نهادهای دولتی و حاکمیتی وظیفه خود را به درستی انجام نمی‌دهند و از مدیریت حوزه مسئولیتی که به آنان سپرده شده است ناتوان هستند.

وقتی چنین مجموعه‌هایی به لحاظ کثرت متعدد باشند، نارضایتی عمومی ظهور پیدا می‌کند. ناکارآمدی، باشنه آشیل مدیریت یک جامعه و عامل سلب رضایت شهروندان است (توکلی، ۱۴۰۱).

معضلات ناشی از ناکارآمدی مدیریت و به‌خصوص به‌کارگیری مدیران ناکارآمد و فاقد تخصص و تجربه کافی، در زمان انتقال دولت بسیار خود را نشان می‌دهد و مردم در این برهه به‌وضوح و با تعداد قابل توجه آن را حس می‌کنند. مدیری که به‌جای تخصص و تجربه با جناح‌بازی و توصیه و گروکشی سرکار آمده، به‌خصوص در ماه‌های پایانی دولت که خداحافظی با کرسی مدیریت را نزدیک می‌بیند، دغدغه اصلی‌اش رسیدن به مطامع بیشتر و رفع خواسته‌های کسانی است که او را بر این منصب نشانده‌اند، نه مدیریت اداره زیرمجموعه و رتق و فتق نیازهای به حق مردم.

مدیریت ناکارآمد، بعد از انتخابات نیز منشأ مشکلات متعددی است. مدیران ناکارآمد، فردای انتخابات به‌جای پیگیری عهد و پیمان‌ها برای حل مشکلات جامعه و تحقق شعارها و وعده‌ها، گویی لشکری فاتح بر سر غنائم که همان صندلی‌های مدیریتی است، حضور پیدا کرده و اولویت آن‌ها راضی کردن ستادها و جناح‌های همسو و حلقه یاران خودی و رفیق‌بازی است؛ غافل از آنکه مشکلات همچنان در کف جامعه جاری و روزه‌روز در حال انباشته شدن است (توکلی، ۱۴۰۱). بی‌ثباتی و تغییرات مداوم در برنامه‌ها و تصمیمات دولت، این ناکارآمدی را تشدید کرده، چشم‌انداز نامطلوبی برای زندگی افراد جامعه ترسیم خواهد کرد. بدین ترتیب، موضوع اصلی که همان خدمت‌رسانی به مردم است جای خود را به موضوعات فرعی داده و بیشترین آسیب را متوجه شهروندان خواهد کرد و نتیجه‌ای جز نارضایتی عمومی نخواهد داشت. مهم‌ترین پیامد افزایش نارضایتی مردم انفعال، سرخوردگی، میل به بی‌تفاوتی، کنار کشیدن و ناامیدی نسبت به ایجاد تغییرات گسترده در آینده و به تبع آن‌ها کاهش مشارکت اجتماعی است که بهبود آن نیز کار بسیار سختی خواهد بود.

عموماً نارضایتی‌های عمومی مانند آتشی زیر خاکستر، آماده شعله‌ور شدن است و به همین دلیل از آن‌ها به‌مثابه شرط لازم به‌منظور تحقق جنبش‌های اعتراضی، سیاسی، اجتماعی و اولین عامل مهم در وقوع هر انقلاب یاد می‌کنند؛ بنابراین نارضایتی عمومی تبعات بسیار سنگینی برای حکومت‌ها خواهد داشت که کمترین آن کاهش مشارکت سیاسی و در موارد شدیدتر اعتراض و اغتشاش و شورش و انقلاب خواهد بود و هر دولتی برای بقای خود هم که شده باید به این مسئله توجه ویژه داشته و زمینه‌های شکل‌گیری آن را مرتفع نماید. فرایند فعلی انتقال دولت در ایران، می‌تواند یکی از این زمینه‌های ایجاد نارضایتی عمومی باشد که تجدیدنظر در آن را ضروری می‌نماید.

۳-۱-۳. کاهش اقتدار و ثبات داخلی و بین‌المللی نظام سیاسی

اقتدار، قدرت مشروع، قانونی و مقبولی است که می‌باید در شرایط مقتضی مورد اطاعت و فرمان‌برداری قرار گیرد (بشیریه، ۱۳۹۳: ۴۰). درواقع، از تجمع دو مؤلفه مقبولیت (پذیرش اصل موجودیت نظام

سیاسی) و کارآمدی (باور به توانایی نظام سیاسی در انجام وظایف و دستیابی به اهداف)، «اقتدار» نظام سیاسی به دست می‌آید (رنو، ۱۳۷۸: ۲۷۹). از طرفی مقصود از ثبات ملی و داخلی کشور، وحدت، یکپارچگی و همبستگی ملی است. بدین صورت که کلیه افراد ملت خود را در سرنوشت کشور دخیل می‌دانند و برای پیشرفت کشور نیز تلاش می‌کنند (هادی‌زاده، ۱۴۰۰). نفس شکل‌گیری دولت به مفهوم اثبات و نهادمند آن نیازمند قوام یافتن اقتدار است (بشیری، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۱). هر چه چالش‌های یک نظام سیاسی کمتر باشد یا بتواند به شکل مطلوبی آن‌ها را مدیریت کند، ثبات و به دنبال آن اقتدار آن نظام بیشتر خواهد شد. افزایش ثبات و اقتدار، نشان‌دهنده کارآمدی نظام سیاسی است. از طرفی شاخص ارزیابی مردم از کارآمدی یک نظام، دولت است؛ چراکه بیشترین ارتباطات و سروکار مردم برای تأمین نیازها و رفع و رجوع مشکلات زندگی شخصی و اجتماعی از طریق زیرمجموعه‌های دولت انجام می‌گیرد. عملکرد صحیح دولت در برهه‌ها و شرایط مختلف و در زمینه‌های گوناگون، باعث رضایت عمومی شده و تداوم رضایت، موجب اعتماد مردم و به دنبال آن حمایت عمومی از کلیت نظام خواهد شد. حمایت عمومی از کلیت نظام نیز ثبات نظام سیاسی و در نتیجه اقتدار آن را به دنبال خواهد داشت.

در زمان انتقال دولت که عملکرد ادارات و مؤسسه‌های دولتی با اختلال مواجه شده و بسیاری از خدمات به‌درستی ارائه نمی‌گردد، نارضایتی عمومی افزایش یافته و مردم اعتماد خود را ابتدا به آن دولت از دست می‌دهند. اگر این وضعیت در دولت‌های مختلف تکرار شود، مردم آن را به پای حاکمیت گذاشته و اعتماد عمومی نسبت به کلیت نظام سیاسی کم‌رنگ شده و به مرور از بین می‌رود. مردمی که به نظام اعتماد نداشته باشند از آن حمایت نیز نمی‌کنند و از هر فرصتی برای اعلام نارضایتی خود استفاده می‌برند. به عبارتی ممکن است نظام سیاسی در قله قدرت قرار داشته باشد؛ اما اقتدار لازم برای پیشبرد اهدافش را به دلیل عدم حمایت مردمی نداشته باشد. قوانین و سیاست‌های دولت مورد توجه و اجرا قرار نمی‌گیرد و مردم تعهد و مسئولیت اجتماعی لازم برای پیشرفت و موفقیت کشورشان را ندارند. اگر این نارضایتی گسترده باشد، صرفاً اعتراض به دولت را شامل نمی‌شود و مردم از هر فرصتی برای اعتراض و ضربه زدن به کل سیستم و حاکمیت استفاده می‌کنند. در نتیجه زمینه برای اعتراضات، اعتصابات، شورش‌ها و هر وجه دیگری که بتواند صدای نارضایتی خود را به گوش مسئولان امر برسانند، استفاده خواهند کرد. تمامی این موارد کاهش ثبات و به دنبال آن کاهش اقتدار نظام سیاسی را به دنبال خواهد داشت که پیامدها و آسیب‌های بسیار گسترده‌ای دارد. از جمله سوءاستفاده دشمنان داخلی و خارجی، به هم خوردگی ثبات و نظم و امنیت در کشور، افزایش مشکلات معیشتی و اقتصادی و حتی فرهنگی و اجتماعی به دلیل درگیر بودن دولت با مقوله‌هایی چون امنیت و

همچنین یکی از مهم‌ترین این آسیب‌ها، کاهش اقتدار و اعتبار دولت در عرصه بین‌المللی است. کشورها در روابط بین‌المللی، از اختیارات و حقوقی برخوردار هستند که حقوق بین‌الملل برای آن‌ها به

رسمیت شناخته است. اما میزان برخورداری از این اختیارات و حقوق در عالم واقع، بسته به قدرت درونی و اقتدار ملی کشورهاست. هر چه ثبات داخلی و اقتدار ملی کشوری بیشتر باشد، سهم بیشتری از مناسبات بین‌المللی خواهد داشت و سیاست خارجی آن مقتدرتر، مؤثرتر و موفق‌تر خواهد بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲). هر چند دولت‌ها در عرصه بین‌الملل، مجری سیاست‌های کشور متبوعشان هستند، اما نحوه اجرای این سیاست‌ها در دولتی با دولت دیگر متفاوت است و بالتبع نحوه برخورد کشورهای دیگر با آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود. آنچه در روابط بین‌المللی کاملاً مشهود است آن است که در ماه‌های پایانی دولت‌ها، معمولاً کشورهای خارجی کمتر به سراغ انعقاد تفاهم‌نامه یا قرارداد با آن دولت خواهند رفت. چراکه ممکن است با تغییر دولت، نگرش جدیدی درباره نوع ارتباط و تعامل با کشورها بر کشور حاکم شود و ارتباطات و تعاملات قبلی را تحت الشعاع قرار دهد. بدین جهت کشورهای خارجی تا تعیین دولت جدید و استقرار آن صبر خواهند نمود تا پس از مشخص شدن کامل سیاست خارجی دولت جدید، نحوه ارتباط با آن دولت را تعیین نمایند. واضح است هر چه این فرایند طولانی‌تر شود، از اعتبار دولت در عرصه بین‌الملل کاسته شده و تعاملات برای احقاق حقوق کشور با مشکل مواجه می‌گردد.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه هدف از مطالعات حقوق تطبیقی، بررسی مسائل و مشکلات حقوقی از نگاه تطبیقی و تجزیه و تحلیل آن‌ها به منظور رسیدن به طرز فکر جدید و دید گسترده حقوقی است (شیری، ۱۳۹۱: ۴)، پژوهش حاضر به بررسی فرایند انتقال دولت و مشکلات ناشی از آن در دو نظام حقوقی و سیاسی ایران و آمریکا پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که قوانین و مقررات انتقال دولت در ایران، صرفاً محدود به انتخابات و تعیین رئیس‌جمهور جدید و وزرای همکار اوست؛ اما به معضلات این انتقال همچون مواجهه دولت با خلأ مدیریتی و بلا تکلیفی دستگاه‌های اجرایی، ایجاد وقفه در خدمات عمومی، ایجاد نارضایتی عمومی، کاهش اقتدار و ثبات داخلی و بین‌المللی نظام سیاسی و... توجهی نداشته است. اما نکته قابل توجه در آمریکا که فرای نوع نظام سیاسی یا وابستگی به حزب (که شاید به راحتی در ایران قابل تغییر و اعمال نباشند) دیده می‌شود، وجود قانون مدون خاص انتقال دولت است که جای خالی آن در سیستم حقوقی ایران کاملاً محسوس بوده و می‌تواند بسیاری از مشکلات ناشی از انتقال دولت را به حداقل برساند.

«قانون انتقال ریاست‌جمهوری آمریکا» باهدف انتقال منظم قدرت اجرایی تدوین شده و علاوه بر مشخص نمودن چگونگی انتقال قدرت پس از مشخص شدن رئیس‌جمهور منتخب، به آماده نمودن نامزدها و تیم همراه و همکارانشان برای در اختیار گرفتن قدرت اشاره دارد تا فرد منتخب با آمادگی کامل، دولت جدید را به دست گیرد و با سرعت بر اداره امور تسلط یافته و استمرار خدمات عمومی با وقفه مواجه

نشود. هر چند به نظر می‌رسد این قانون نیز قانون کامل و جامعی نیست؛ اما به‌عنوان یک نمونه می‌تواند راهگشا باشد. این در حالی است که در ایران با وجود قوانین متعدد از زمان شروع فرایند ثبت‌نام نامزدهای انتخابات تا رأی اعتماد به وزرا و مشخص شدن همکاران رئیس‌جمهور در دولت، قانون جامع و دقیق که جوانب مختلف را در نظر داشته و علاوه بر مدیریت و جهت‌دهی صحیح مسیر طولانی انتقال، با نگاه دقیق حقوق عمومی به مسائل کشور، مشکلات این برهه را بکاهد وجود ندارد. نگاهی که در آن مردم در اولویت بوده و انتقال دولت را مسیری برای بروز اراده جدید ملت بداند. چراکه اختیارات و صلاحیت‌هایی که قانون اساسی برای دولت در نظر گرفته به‌منظور تضمین حقوق و آزادی‌های مردم است و اگر عملکرد و سیاست‌های دولت از محدوده مذکور خارج شود، به خطا رفته و باید برای اصلاح آن تلاش کرد. حتی جنبه‌های ساختاری و سازمانی دولت نیز باید با توجه به این هدف ترسیم شود و در صورتی که ساختارها خود، مانعی برای احقاق حقوق مردم باشد باید مورد بازنگری قرار گیرد.

بخشی از این عملکردها، سیاست‌ها و ساختارها در فرایند انتقال دولت متجلی می‌شود و از آنجاکه انتقال دولت با انتقال قدرت همراه است، لزوم توجه به هدف اصلی قانون اساسی یعنی ایجاد محدودیت در اعمال قدرت حاکمان در جهت تضمین حقوق و آزادی‌های مردم (دبیرنیا، ۱۳۹۵: ۱۳۷)، در انتقال دولت بسیار قابل توجه بوده و باید عملکردها و سیاست‌ها و ساختارهای موجود در جریان انتقال قدرت نیز با هدف اصلی قانون اساسی همراه باشد؛ بنابراین قانون جامع با این نگاه راهبردی، به ترسیم موشکافانه شرایط و مراحل مختلف انتقال دولت پرداخته و رضایت عمومی، استمرار خدمات عمومی، جلوگیری از ایجاد خلأ مدیریتی، حفظ ثبات سیاسی داخلی و اقتدار بین‌المللی و... را به همراه دارد.

فهرست منابع

- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۰ش). **مبانی سیاست**، تهران: انتشارات توس.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۳ش). **آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)**، تهران: انتشارات مؤسسه نگاه معاصر، چاپ ۱۱.
- تقی‌زاده، جواد (۱۳۸۷ش). «انتخابات ریاست‌جمهوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، دوره ۱۲، شماره ۳.
- توکلی، مهدی (۱۳۸۷ش). «نقش مدیران ناکارآمد در بروز نارضایتی‌ها».
- <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-86229>
- دبیرنیا، علیرضا (۱۳۹۵ش). «تحلیلی بر مفهوم نظام نمایندگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی تطبیقی به اندیشه سیاسی غرب»، **پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، دوره ۳، شماره ۱.
- دبیرنیا، علیرضا (۱۳۹۵ش). «حاکمیت مردم در مفهوم مدرن؛ فراساختاری بودن حق حاکمیت»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۲۰، شماره ۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۲ش). «بررسی سه رهیافت در افزایش اقتدار بین‌المللی».
- <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=23765>
- رضایی‌زاده، محمدجواد و کاظمی، داوود (۱۳۹۱ش). «بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **نشریه فقه و حقوق اسلامی**، دوره ۳، شماره ۵.
- رئوفت، رحیم (۱۳۷۸ش). «مبانی اقتدار و زندگی سیاسی»، **نشریه نقد و نظر**، دوره ۶، شماره ۲۲-۲۱.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱ش). **حقوق تطبیقی**، تهران: انتشارات سمت.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۶ش). **حقوق اداری**، تهران: انتشارات سمت، چاپ دورازدهم.
- طباطبایی، سید محمد (۱۳۸۱ش). **سیاست و انتخابات در ایالات متحده آمریکا**، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عباسی، بیژن (۱۳۸۹ش). **حقوق اداری**، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱ش). **حقوق اساسی تطبیقی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم.
- قاسمی، مصطفی (۱۳۸۵ش). «نگاهی به فعالیت احزاب در آمریکا»، **فصلنامه دین و سیاست**، شماره ۱۰.
- مشهدی، علی (۱۳۹۷ش). **فرهنگ اصطلاحات حقوق اداری**، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- منصوریان، مصطفی و نیکونهاد، حامد (۱۳۹۸ش). **نظام حقوقی حاکم بر انتخابات: نظام‌های انتخاباتی**، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، چاپ سوم، جلد ۱.
- هادی‌زاده، علی (۱۴۰۰ش). «قانون اساسی؛ عامل ثبات داخلی و اقتدار بین‌المللی کشور».
- www.shora-gc.ir/000286/
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶ش). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات میزان، چاپ پانزدهم، جلد ۲.
- هداوند، مهدی و مشهدی، علی (۱۳۹۱ش). **اصول حقوق اداری (در پرتو آرای دیوان عدالت اداری)**، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ اول.

یوسفی، محمدرضا (۱۳۹۶ش). «عوامل نارضایتی عمومی از منظر امام علی (ع)»، پایگاه اطلاع رسانی شفقتنا:

<https://fa.shafaqna.com/news/512025>

آیین نامه داخلی هیئت دولت جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۹/۸ و اصلاحات بعدی آن.

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۷۸۹ م و اصلاحیه های بعدی آن.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلاح شده سال ۱۳۶۸ ش.

قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ ش با اصلاحات و الحاقات بعدی.

قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸ ش با اصلاحات بعدی.

قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۰/۴/۱۰ ش با اصلاحات بعدی.

References

- Beck, P. A. & Hershey, M. R. (2001). Party politics in America. New York, NY: Longman.
- Coleman, Kevin J. & Cantor Joseph E. and Neale, Thomas H. (2000). Presidentisl Elections in the United States: A Primer, USA: Congressional Research Service, the Library of Congress, April 17.
- PRESIDENTIAL TRANSITION ACT OF 1963. Available at:
[https:// www.govinfo.gov/app/collection/comps](https://www.govinfo.gov/app/collection/comps)
- Roskin, M. (1998). Political science: An Introduction, New Jersey: prentice Hall.
- The Code of Laws of the United States, U.S. Code or U.S.C, Available at:
<http://uscode.house.gov/statviewer.htm?volume-62&page=672> Last (Retrieved: 23 Aug 2016).

Persian Sources

- Abbasi, B. (2010). administrative law, Tehran: Judge's publication, 1st ed.
- Abulhamd, A. H. (2001). the basics of politics, Tehran: Toos Publications.
- Amid Zanjani, A. A. (2013). comparative fundamental rights, Tehran: Mizan, 2nd nd
- Bashiriyeh, H. (2013). teaching political knowledge (basics of theoretical and institutional political science), Contemporary View Institute. 11th ed.
- Debirmia, A. (2015). "An analysis of the concept of representation system in the constitution of the Islamic Republic of Iran with a comparative view of Western political thought", comparative research of Islamic and Western law, Vol 3, No 1.
- Dabirmia, A. (2016). "People's sovereignty in the modern concept; Superstructurality of Sovereignty", Comparative Law Studies, Vol 20, No 3.
- Dehghani Firouzabadi, S.J. (2013). "Review of three approaches in increasing international authority", <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=23765>
- Ghasemi, M. (2016). "A Look at the Activities of Parties in America", Religion and Politics Quarterly, No. 10.
- Hadavand, M. Mashhadhi, A. (2013). the principles of administrative law (in the light of the decisions of the Administrative Court of Justice), Tehran: Khorsandi Publishing. 1ST ed.

- Hadizadeh, A. (2001). "The Constitution; The factor of internal stability and international authority of the country", /www.shora-gc.ir/000286
- Hashemi, S.M. (2007). the fundamental rights of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Mizan. 2nd Vol, 15th ed.
- Internal Regulations of the Government Board of the Islamic Republic of Iran, approved on 1989/10/30 and its subsequent amendments.
- Iran Islamic Presidential Election Law approved 1985/7/25 with subsequent amendments and additions.
- Mansourian, M. Nikunahad, H. (2018). the legal system governing elections: electoral systems, Tehran: Guardian Council Research Institute Publications, 1st Vol, 3rd ed.
- Mashhadhi, A. (2017). dictionary of administrative law terms, Tehran: Publishing Company, 1st ed.
- Raufat, R. (1999) "Basics of Authority and Political Life", Naqd Va Nazar Magazine, Vol 6, No 22-21.
- Rezaizadeh, M. J. Kazemi, D. (2013). "Recognition of the theory of "public services" and its governing principles in the Constitution of the Islamic Republic of Iran", Journal of Islamic Jurisprudence and Law, Vol 3, NO 5.
- Shiravi, A.H. (2013). comparative law, Tehran: Samt.
- Tabatabaei Mutamani, M. (2016). administrative law, Tehran: Samt Publishing House, 12th ed.
- Tabatabai, S.M. (2002). politics and elections in the United States of America; Tehran: Publications of the Center for Islamic Revolution Documents.
- Taghizadeh, J. (2017). "Presidential Elections in the Constitution of the Islamic Republic of Iran", Humanities Lecturer's Quarterly, Vol 12, NO 3.
- Tavakoli, M. (2022). "The role of ineffective managers in the emergence of dissatisfaction", <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-86229>
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran, amended in 1989.
- The Constitution of the United States of America approved in 1789 and its subsequent amendments.
- The Guardian Council Supervision Law on Islamic Presidential Elections of Iran approved on 1981/12/24 with subsequent amendments.
- The Law of Internal Regulations of the Islamic Council approved on 1999/10/10 with subsequent amendments.
- Yousefi, M. (2016). "Factors of public dissatisfaction from the perspective of Imam Ali (AS)", Shafaqna information base, <https://fa.shafaqna.com/news/512025>